

کرده، به‌ندرت اعلام کرده که این رقابت چه زمانی، چگونه و به چه دلیلی اتفاق می‌افتد؟ در نتیجه، این مفهوم به‌شدت انعطاف‌پذیر بود. «رقابت قدرت‌های بزرگ» می‌تواند تهدیدهای ترامپ برای ترک ناتو را توضیح دهند، مگر آنکه کشورهای اروپایی بودجه دفاعی خود را افزایش دهند، چون این اقدام می‌تواند از هدر رفتن منافع امنیت آمریکایی محافظت کند. اما همین گزاره را می‌توان برای سرمایه‌گذاری مجدد بایدن در ناتو به‌کار برد که به‌دنبال احیای دوباره اتحادی از دموکراسی‌ها علیه نفوذ روسیه و چین بود.

رقابت قدرت‌های بزرگ به‌جای توصیف یک استراتژی خاص، روایتی قوی از سیاست‌های جهان را نشان داد؛ روایتی که بیش از آنکه به سبک دیدگاه سیاستگذارهای ایالات متحده از خود و جهان اطرافشان و شیوه‌ای که می‌خواستند دیگران آنها را ببینند، فراهم می‌کند. در این روایت، شخصیت اصلی ایالات متحده آمریکا بود. گاهی اوقات این کشور نقش قهرمان قوی و بالایی را داشت با اقتصادی پویا و قدرت نظامی. اما واشنگتن همچنین می‌تواند به‌عنوان قربانی نشان داده شود؛ همانگونه که در سند استراتژی سال ۲۰۱۷ ترامپ آمریکا را در یک «دنیای خطرناک» با قدرت‌های رقیب نشان می‌دهد که «منافع آمریکا را در سراسر جهان به‌شدت تضعیف می‌کنند.» در مواقعی نقش دومی هم وجود داشت: به‌عنوان مثال، جامعه دموکراسی‌هایی که در دیدگاه بایدن، شریک ضروری در تضمین رفاه اقتصادی جهانی و حفاظت از حقوق بشر بودند.

چین و روسیه در عوض رقبای اصلی بودند. اگرچه کشورهای دیگری مثل ایران، کره شمالی و شماری از بازیگران غیردولتی، نقش فرعی داشتند، پکن و مسکو گناهکاران اصلی تضعیف ایالات متحده بودند. اینجا دوباره برخی از جزئیات بسته به اینکه چه کسی ماجرا را تعریف می‌کند، متفاوت است. برای ترامپ داستان مبتنی بر منافع ملی بود: این قدرت‌های بازیبن‌گرا یا تجدیدنظرطلب به‌دنبال «از بین رفتن امنیت و رفاه آمریکا بودند.» در دوران بایدن، تمرکز از منافع به ایده‌ها، از امنیت گرفته تا نظم، تغییر کردند. واشنگتن باید با قدرت‌های بزرگ مستبد رقابت می‌کرد تا امنیت دموکراسی و انعطاف‌پذیری نظم بین‌المللی مبتنی بر قانون را تضمین کند.

اما برای نزدیک به یک دهه، منحنی این روایت گسترده همچنان به همان شکل باقی مانده: رقیب متجاوز به‌دنبال آسیب زدن به منافع آمریکایی هاست و واشنگتن باید پاسخ می‌داد. به‌محض آنکه این دیدگاه از جهان در جای خود قرار گرفت، به رویدادها معانی خاصی بخشید. جنگ روسیه در اوکراین، حمله‌ای نه‌فقط به اوکراین بلکه به‌نظم به‌رهبری آمریکا بود. افزایش ظرفیت نظامی چین در دریای چین جنوبی نه دفاع از منافع اصلی پکن بلکه تلاشی برای گسترش نفوذ چین در اینه‌وپاسیفیک به هزینه واشنگتن بود. رقابت قدرت‌های بزرگ به این معنی بود که فناوری نمی‌تواند خنثی باشد و اینکه ایالات متحده نیاز داشت چین را از شبکه‌های ۵G اروپا بیرون کند و دسترسی پکن به نیمه‌های‌ها را محدود کند. کمک‌های خارجی و پروژه‌های زیرساختی در کشورهای آفریق‌ای جنوبی صرفاً ابزار توسعه نبودند بلکه سلاح‌هایی در جنگ برای برتری محسوب می‌شدند. سازمان جهانی بهداشت، سازمان تجارت جهانی، دیوان کیفری بین‌المللی و حتی سازمان گردشگری جهانی سازمان ملل همگی به عرصه‌هایی در رقابت برای برتری تبدیل شدند. به‌نظر می‌رسید همه‌چیز حالا رقابت قدرت‌های بزرگ بود.

ترامپ در دور اول به‌عنوان یکی از قانع‌کنندگان بازیگران رقابت قدرت‌های بزرگ بود. در سال ۲۰۱۷ او در سخنرانی خود گفت: «بقیای ما سرسخت‌اند، آنها مقاوم‌اند و متعهد به بلندمدت، اما ما هم همینطور. برای موفق شدن، ما باید با تمام ابزارهای قدرت ملی‌مان رقابت کنیم.» (چند سال پیش ترامپ در جریان اعلام نامزدی خود برای ریاست جمهوری اساساً صریح‌تر بود: «من همیشه چین را شکست دادم. همیشه.»)

اما ترامپ پس از بازگشت به قدرت برای دور دوم، رویکرد خود را تغییر داد. رویکرد او همچنان تهاجمی و تقابلی باقی مانده است. او برای استفاده از تهدید به تنبیه، اغلب از نظر اقتصادی، برای اجبار دیگر کشورها به انجام کاری که او می‌خواهد، درنگ نکرد. به‌جای اینکه تلاش کند روسیه و چین را شکست دهد به‌ر حال ترامپ حالا می‌خواهد آنها را متقاعد کند برای مدیریت نظم بین‌المللی با او همکاری کنند. حالا آنچه او می‌گوید روایت تبانی است، نه رقابت: سیستم «کنسرت» مشابه آن چیزی که اروپا را در قرن نوزدهم شکل داد. پس از تماس با شی در اواسط ژانویه، ترامپ در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت: «ما مشکلات مالی را با یکدیگر حل می‌کنیم و خیلی سریع شروع می‌کنیم. ما درباره توازن تجاری، فنتانیل، تیک‌ناک و بسیاری از موضوعات دیگر صحبت کردیم. رئیس‌جمهور شی و من هر کار لازم باشد را انجام می‌دهیم تا جهان صلح‌آمیزتر و امن‌تر شود!» ترامپ همان ماه در سخنرانی برای رهبران تجاری در داووس سوئیس گفت که «چین می‌تواند به ما کمک کند جلوی جنگ به‌ویژه جنگ روسیه و اوکراین را بگیریم و آنها قدرت زیادی در مدیریت این شرایط دارند و ما با آنها همکاری خواهیم کرد.»

ترامپ در تروث سوشال درباره تماس تلفنی خود با پوتین در ماه فوریه گزارش داد: «ما هر دو در مورد تاریخ بزرگ ملت‌هایمان و این واقعیت که ما در جنگ جهانی دوم پیروزمندانه با یکدیگر جنگیدیم، صحبت کردیم... ما هر کدام از نکات قوت کشورهای خود گفتیم و از مزیت بزرگی که یک روز بر اثر همکاری با یکدیگر خواهیم داشت.» در ماه مارس، چنانچه اعضای کابینه ترامپ با هم‌تایان روسی خود بر سر سرنوشت اوکراین مذاکره می‌کردند، مسکو به‌وضوح اعلام کرد که دیدگاه او از آینده چیست.

فیدور ویتولووسکی، پژوهشگری که عضو هیئت مشاوران وزارت خارجه و شورای امنیت روسیه است به نیویورک‌تایمز می‌گوید: «ما می‌توانیم با الگویی ظاهر شومیم که به روسیه و ایالات متحده آمریکا، و روسیه و ناتو اجازه می‌دهد تا بدون دخالت در منافع یکدیگر، همزیستی داشته باشند.» ویتولووسکی در ادامه می‌گوید که طرف روسی می‌داند که ترامپ این چشم‌انداز را «به‌عنوان یک تاجر» درک می‌کند. در همان زمان، استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ و غول املاک که نقش زیادی در مذاکرات با روسیه دارد در گفت‌وگویی با تاکر کارلسون، مفسر سیاسی از احتمال همکاری آمریکا و روسیه استقبال کرد.

ویتکاف می‌گوید: «خطوط درپایی را به اشتراک بگذارید، شاید با یکدیگر گاز (طبیعی مایع) را به اروپا بفرستیم، شاید در زمینه هوش مصنوعی با هم کار کنیم، چه‌کسی دوست ندارد چنین دنیایی را ببیند؟»

ترامپ ممکن است در پیگیری توافق با رقیب، کنوانسیون اخیر را زیر پا بگذارد، اما روی روش سنتی عمیقاً ریشه‌دار دست بگذارد. این تصور که قدرت‌های بزرگ رقیب باید دور هم جمع شوند تا سیستم بین‌المللی پرهرج و مرج را مدیریت کنند، تصویری است که رهبران در بسیاری از نقاط تاریخ از آن استقبال کرده‌اند. اغلب در آستانه جنگ‌های فاجعه‌باری که آنها را به‌دنبال ایجاد نظم کنترل‌شده‌تر، قابل اعتمادتر و انعطاف‌پذیرتر کشانده، پایه‌ریزی شده‌اند. در سال‌های ۱۵–۱۸۱۴، در پی انقلاب فرانسه و جنگ‌های ناپلئونی که تقریباً یک ربع قرن اروپا را فرا گرفت، قدرت‌های بزرگ اروپایی با هدف تشکیل نظم باثبات‌تر و صلح‌آمیزتر به‌جای یک قدرت که با سیستم توازن قدرت قرن هجدهم که در آن زمان جنگ قدرت‌های بزرگ تقریباً هر دهه رخ می‌داد، در وین جمع شدند. نتیجه «کنسرت اروپا» بود: گروهی که در ابتدا شامل اتریش، پروس، روسیه و بریتانیا بود و بعد در سال ۱۸۱۸ از فرانسه برای عضویت دعوت شد. ترامپ ممکن است کنوانسیون اخیر را ترک کند اما دست روی سنت ریشه‌داری گذاشته است.

اعضای کنسرت اروپا به‌عنوان قدرت‌های بزرگی که متقابلاً به رسمیت شناخته شده‌اند دارای حقوق و مسئولیت‌های ویژه‌ای برای کاهش درگیری‌های بی‌ثبات‌کننده در نظام اروپایی

## FOREIGN AFFAIRS

## دیدگاه ترامپ از جهان رقابت قدرت‌های بزرگ نیست بلکه تبانی با آنهاست: سیستمی «توافقی» مشابه آن چیزی که در قرن نوزدهم اروپا را شکل داد. آنچه ترامپ می‌خواهد، جهانی با مدیریت‌قوی‌مدانی است که با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ نه همیشه هماهنگ ولی همیشه هدفمند، تا دیدگاه مشترک خود از نظم را به بقیه جهان تحمیل کنند.

## این بدان معنی نیست که ایالات متحده آمریکا کلاً از رقابت با چین و روسیه دست می‌کشد: رقابت قدرت‌های بزرگ ویژگی سیاست‌های بین‌المللی است که ادامه‌دار و غیرقابل انکار است

بودند. اگر اختلافات ارضی به‌وجود می‌آمد، رهبران اروپایی به‌جای بهره‌برداری از آنها برای گسترش قدرت خود، دور هم جمع می‌شدند تا با مذاکره راه‌حلی برای درگیری پیدا کنند.

روسیه مدت‌هاست که به توسعه امپراتوری عثمانی چشم دوخته بود و در سال ۱۸۲۱، شورش یونانی‌ها علیه عثمانی ظاهراً برای روسیه فرصت استثنایی فراهم کرد. در واکنش، اتریش و بریتانیا خواستار خویشتن‌داری شدند و استدلال کردند که دخالت روسیه نظم اروپایی را ویران می‌کند. روسیه عقب‌نشینی کرد و الکساندر یکم، تزار روسیه وعده داد: «من باید خودم را متقاعد به اصولی نشان دهم که اتحاد را بر اساس آن پایه‌ریزی کردم.» در مواقع دیگر، زمانی که جنبش‌های ملی‌گرایان انقلابی این نظم را تهدید می‌کردند، قدرت‌های بزرگ برای تضمین راه‌حل دیپلماتیک، حتی اگر به‌معنای کنار گذاشتن دستاوردهای مهم بود، دور هم جمع می‌شدند.

این ایده که قدرت‌های بزرگ می‌توانند و باید مسئولیت جمعی هدایت سیاست‌های بین‌المللی را برعهده بگیرند، نهادینه و هزارچند گاهی تکرار شد. ایده کنسرت همچنین الهام‌بخش دیدگاه فرانکلین روزولت از ایالات متحده آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا و چین به‌عنوان «۴ پلیس» بود که پس از جنگ جهانی دوم امنیت را در جهان فراهم خواهند کرد. میخائیل گورباچف، رهبر شوروی، جهان پس‌اجنگ سردی را تصور می‌کرد که در آن شوروی به‌عنوان قدرت بزرگ شناخته می‌شود، با دشمنان پیشین همکاری می‌کند تا فضای امنیتی اروپا را نظم دهد. چنانچه به‌نظر می‌رسید قدرت نسبی واشنگتن در آغاز این قرن رو به افول می‌رود، برخی از ناظران ایالات متحده را تشویق کردند که با برزیل، چین، هند و روسیه همکاری کند تا میزان اندکی ثبات را در جهان نوظهور پساهزمنی فراهم کند.

آنچه کنسرت اصلی را فراهم کرد، حضور رهبرانی با ذهنیت مشابه بود که منافع جمعی مشترکی در حکومت قاره‌ای داشتند و به‌دنبال اجتناب از جنگ فاجعه‌بار دیگری بودند. کنسرت همچنین قوانینی برای مدیریت قدرت‌های بزرگ داشت. اینها قوانین نظم بین‌المللی لیبرال را که می‌خواست سیاست‌های قدرت را با فرآیند قانونی جایگزین کنند، نبودند، بلکه «قوانین نانوشته» مشترکی بودند که هنگام مذاکره برای درگیری، قدرت‌های بزرگ را رهبری می‌کردند. آنها هنجارهایی درباره اینکه چه زمانی در درگیری دخالت کنند، چگونه اراضی را تقسیم کنند و چه کسی مسئول صلاحیت عمومی است که صلح را حفظ می‌کند، تعیین کردند. در نهایت، دیدگاه اصلی کنسرت از مشورت رسمی و ترغیب اخلاقی به‌عنوان مکانیسم اصلی سیاست خارجی مشترک استقبال می‌کرد. کنسرت بر انجمن‌هایی متکی بود که قدرت‌های بزرگ را به بحث و گفت‌وگو درباره منافع جمعی خود می‌کشاند.

به‌سختی می‌توان تصور کرد که ترامپ چنین برنامه‌ریزی‌ای داشته باشد. ترامپ به‌نظر باور دارد که می‌تواند کنسرتی تشکیل دهد که نه از طریق همکاری واقعی بلکه از طریق معامله‌های بده‌بستانی با تکیه بر تهدید و رشوه برای سوق دادن متحدانش به سمت تبانی تشکیل شود. ترامپ به‌عنوان کسی که عادت به تخطی از قوانین و هنجارها دارد، احتمالاً نمی‌تواند به هیچ کدام از پارامترهایی که می‌تواند درگیری‌ها را در میان قدرت‌های بزرگ کاهش دهد، پایبند باشد. در عین حال نمی‌توان به‌آسانی تصور کرد که پوتین و شی به‌عنوان شرکای روشنفرک، اختلافات را حل کنند.

لازم است یادآوری کنیم که کنسرت اروپا چگونه به پایان رسید: اول با مجموعه‌ای از جنگ‌های محدود در قاره سپس با درگیری‌های امپراتوری در خارج از قاره و در نهایت با آغاز جنگ جهانی دوم. این سیستم برای مقابله با رویارویی در زمان تشدید رقابت‌ها ابزار کافی در اختیار نداشت. زمانی که همکاری محتاطانه جای خود را به تبانی صرف داد، روایت کنسرت به یک افسانه تبدیل شد. این سیستم با طغیان سیاست‌های اقتدارگرایانه سقوط کرد و جهان به آتش کشیده شد.

ترجمه: یاسمن طاهریان

### سیاستمداران



## تلاش برای برقراری صلح

پاپ لئو که از نخستین روزهای انتخاب به عنوان رهبر کاتولیک‌های جهان خواستار برقراری صلح جهانی شده است، امروز گفت که تمام تلاش خود را برای رسیدن به این هدف به‌کار می‌گیرد. پاپ لئو چهاردهم به عنوان نخستین آمریکایی که رهبری کلیسای کاتولیک جهان را بر عهده گرفته است، متعهد شد تمام تلاش خود را برای صلح انجام دهد. وی در ادامه واتیکان را میانجی درگیری‌های جهانی معرفی کرد و گفت: «جنگ هرگز اجتناب‌ناپذیر نبوده است.» وی که هفته گذشته و پس از مرگ پاپ فرانسیس رهبر فقید کاتولیک‌های جهان به این سمت انتخاب شد، از همان روزهای نخست آغاز به کار بارها خواستار صلح شده است. پاپ لئو در نخستین سخنرانی خود برای جمعیت حاضر در میدان سنت پیتر نیز گفت: «باشد که صلح با همه شما باشد.» رهبر کاتولیک‌های جهان در حالی که برای اعضای کلیساهای کاتولیک شرقی سخنرانی می‌کرد، به جنگ ودرگیری در برخی از این کشورها مانند اوکراین، سوریه و لبنان اشاره کرد و افزود: کلیسای مقدس همیشه آماده است تا با گرد آوردن دشمنان رو در روی یکدیگر برای گفت‌وگو، کمک کند تا مردم در همه جابار دیگر امید پیدا کنند و عزتی را که شایسته آن هستند، یعنی عزت صلح، بازابند.»



## حمله یمن به بن گوریون

ارتش یمن از عملیات موشکی علیه فرودگاه بن گوریون در سرزمین‌های اشغالی فلسطین خبر داد. «یحیی سریع» سخنگوی نیروهای مسلح یمن گفت: نیروی موشکی ارتش با موشک بالستیک فراصوت از نوع ذوالفقار عملیات نظامی ویژه‌ای را علیه فرودگاه بن گوریون انجام داد. این سومین موشکی است که ظرف کمتر از ۲۴ ساعت به فرودگاه بن گوریون شلیک شده است و با موفقیت به هدف خود اصابت کرد. طبق گزارش المسیره، یحیی سریع گفت: موشک فراصوت روند پروازها در فرودگاه بن گوریون را نزدیک به یک ساعت متوقف کرد و میلیون‌ها شه‌یونیست را مجبور به فرار به پناهگاه‌ها کرد. وی گفت: هدف از عملیات ما توقف جنگ‌نسل‌کشی علیه ملت غزه است؛ جنگی که در مقابل چشم و گوش جهان انجام می‌شود. ما از امت می‌خواهیم در مخالفت با کشتار جمعی مردم غزه بپا خیزند و با گرسنگی و محاصره ملت غزه مخالفت کنند.



## روسیه را تحریم می‌کنیم

وزیر خارجه فرانسه گفت اتحادیه اروپا باید بر بسته جدیدی از تحریم‌ها تمرکز کند تا اقتصاد روسیه را خفه کرده و رئیس‌جمهور روسیه را وادار به پایان جنگ در اوکراین کند. «ژان نولن بارو» وزیر امور خار جه فرانسه روز چهارشنبه و پس از تصویب بسته هفدهم تحریم‌ها از سوی اتحادیه اروپا گفت که تأثیر تحریم‌ها تا کنون ناکافی بوده و این بلوک باید با ایالات متحده همکاری کند؛ جایی که کنگره اقدامات فلج‌کننده‌ای را آماده کرده تا در صورتی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکاخواهد فشار بر مسکو وارد کند، وارد عمل شود. بارو با اشاره به رئیس‌جمهور روسیه به شبکه خبری BFM TV گفت: «امروز مادر حال تصویب بسته هفدهم تحریم‌ها هستیم. باید فراتر برویم؛ زیرا تحریم‌های کنونی نتوانسته‌اند ولادیمیر پوتین را از ادامه جنگ تجاوزکارانه‌اش بازدارند.» او افزود: «پس باید ادامه گسترش تحریم‌های ویرانگری باشیم که بتواند اقتصاد روسیه را برای همیشه خفه کند.» در بسته هفدهم حدود ۲۰۰ نفتکش متعلق به ناوگان سایه‌مورد تحریم قرار گرفته‌اند.